



داستان نویسن

نوشتن اولویت دارد یا رسیدگی به امور معمول زندگی؟ این پرسش از آن دغدغه‌های جدی هر کسی است که خود را نویسنده می‌داند و شاید لااقل یک بار در طول زندگی برایش پیش بیاید. البته بسیاری از نویسندگان اهمیت چندانی به معاش و گذران امور معمول زندگی خود نمی‌دهند و بیش و پیش از هر چیز به قلم خود می‌اندیشند، اما باید دانست که واقعیت خیلی خوشایند نیست! واقعیت هم این است که شمای نویسنده اگر مشکل مسکن و خورد و خوراک و حتی پوشاک داشته باشید، بخشی از انرژی‌تان را در دست‌وپنجه نرم کردن با این کاستی‌ها از دست خواهید داد و این می‌تواند به کیفیت نوشتنتان لطمه بزند. دقت کنید که با وجود گرسنگی و وضعیت ظاهری نامناسب و به تبع آن، شکست‌های عاطفی و سرزنش‌های اطرافیان و... مجال درخوری برای پرداختن به داستان‌ها و رمان‌هایی پیدا نخواهید کرد که آفرینش آن را در سر دارید. اگر هم با تحمل سختی‌ها بتوانید به موفقیت‌هایی در عرصه نویسندگی دست پیدا کنید، نباید از خطر پیامدهای این سختی‌ها غافل شوید. بله، این احتمال وجود دارد که شما با پشتکاری ستودنی - و البته برخورداری از بخت و اقبال لازم برای کامیابی - به جایگاه مناسبی به عنوان نویسنده برسید و مخاطب مدنظرتان را هم بیابید، ولی مشقت‌هایی که در دوران بی‌توجهی به امور اقتصادی از سر گذرانده‌اید، احياناً آثاری بر روح و روانتان گذاشته باشد یا حتی به جسمتان آسیب زده باشد (برای نمونه، شما را به مشکلات معده دچار کرده باشد که بر اثر تغذیه نامناسب رخ می‌دهد). آن وقت است که کامیابی کوفتتان خواهد شد! بماند که اساساً در کشورهایی چون ایران که نویسندگی حرفه‌ای - به آن معنا که صرفاً از طریق نوشتن داستان و رمان، دست‌کم‌گذاران یک زندگی معمولی ممکن باشد - چندان جدی گرفته نشده، خود مفهوم موفقیت و کامیابی برای نویسنده مفهومی مبهم است! زیاد نیستند اهالی قلمی چون محمود دولت‌آبادی و رضا امیرخانی که جایگاهشان آن قدر تثبیت شده باشد که مخاطبان، کتاب‌هایشان را به اسم از کتاب فروش بخواهند (حتی برخی از همین نویسندگان حرفه‌ای نیز شغل دومی برای خود دست‌وپا کرده‌اند و سرنوشت خود و خانواده‌شان را به درآمد نوشتن گره نزده‌اند). حال ممکن است به نگارنده اعتراض کنید که اولویت ندادن به نوشتن هم بعید است به خلق آثار درخور بینجامد، راستش را بخواهید این اعتراض هم بجاست! وقتی خود نویسنده هنر را بر صدر نشانده بعید است این هنر قدر لازم را ببیند یا خواننده قدر هنر نویسنده را بداند! پیام این مطلب این نیست که پول و مادیات همه چیز است و اگر فرصتی برای ادبیات باقی ماند آن وقت باید نوشت! مسئله مهم در اینجا برنامه ریزی است. باید بتوانید طرح و نقشه‌ای برای زندگی‌تان تدارک ببینید تا در کنار نوشتن، حداقل‌های نیاززینه خود برای گذران یک زندگی آبرومند را تأمین کنید. وگرنه تاریخ ادبیات پر از نویسندگان تهی دست است، از داستایفسکی تا کنوت هامسون و سلین و از متأخران مشهور حتی کارور را داریم که سربادری و چوب‌بری و نگهبانی و... را تجربه کرد تا مخارج خود و زن و بچه‌اش را فراهم کند. به عبارتی، صحبت از ضرورت برخورداری شمای نویسنده از یک زندگی متوسط آبرومند است تا روح و روان شما لااقل از جانب مادیات آسیب نبیند یا آسیب کمتری ببیند. بدیهی است که اگر خود را نویسنده می‌دانید اولویتتان هم نویسندگی است و نویسنده هم مانند هر انسانی رنج‌های عام احتمالی و رنج‌های خاص خود را دارد، چه بهتر که زخم بی‌پولی از فهرست رنج‌های ناگزیر انسانی‌تان کم شود.

معرفی کتاب

معرفی کتاب «نقل ضحاک ماردوش» دوباره نقالی

«ضحاک فرمان بردار اهریمن است و اهریمنان نباید بر ایران و ایرانیان حکومت کنند که اینجا سرزمین اهورامزداست...» شاهنامه، از غنی‌ترین آثار ادبی حماسی به جامانده از تاریخ ادبیات ایران، همواره نقشی ستودنی در حفظ و ماندگاری زبان فارسی داشته است. «نقل ضحاک ماردوش»، عنوان نمایشنامه‌ای است مصور، برگرفته از داستان‌های شاهنامه که با هدف آشنایی کودکان و نوجوانان با گنجینه‌های فرهنگ و میراث ادبی سرزمین ایران نوشته شده است. ورود این متن‌ها به عرصه تئاتر و نمایش، موجب اثرگذاری و آشنایی بیشتر این گروه از مخاطبان با سرمایه ادبیات می‌شود. این کتاب برای نوجوانان بیش از پانزده سال بازنویسی و با نگاه به ابعاد نمایشی و باتوجه به جذابیت‌های نهفته در موضوع و روایت، تنظیم شده است. نمایشنامه دارای چهارنقال و نقشگرانی در نقش‌های ضحاک، ابلیس، پیر خردمند، خواب‌گزار، فرانک، ارمایل، گرمایل، کاوه آهنگر، فریدون و کندور (وزیر بزرگ ضحاک) است. رسم نقالی که از هنرهای قدیمی مردمان ایران زمین محسوب می‌شود، در این اثر پررنگ و نمایان شده است، به گونه‌ای که می‌تواند مخاطبان بسیاری را به همین روش به شاهنامه و دیگر متون کهن فارسی علاقه مند سازد. این کتاب نوشته عباس جهانگیریان است و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آن را منتشر کرده است.

زین قدیر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- پیدا کردن جایگزین برای ساده نویسی کار سختی نیست.
- به جای «غیر قابل قبول» بنویسیم: نپذیرفتنی، باورنکردنی
- به جای «غیر قابل قسمت» بنویسیم: بخش ناپذیر
- به جای «قابل پذیرش» بنویسیم: پذیرفتنی
- به جای «غیر قابل اجتناب» بنویسیم: ناگزیر
- به جای «قابل گفتن» بنویسیم: گفتنی

#زین_قدیر_پارسی

شهریار

شاهRarANEWS.IR

۱۰

فرهنگ و ادبیات

تصویر قهرمان در آینه نسل آینده‌ساز

آیین رونمایی از ۳کتاب کودک با موضوع شهید سلیمانی در حوزه هنری انقلاب اسلامی خراسان رضوی برگزار شد



عکس:حسن‌عالمی - شهریار



● حاج قاسم متعلق به بچه‌هاست نازنین صابری حداد، نویسنده کتاب «مردی که زبان کیوترها را می‌دانست»، سخنران بخش پایانی این مراسم بود. وی تأکید کرد که گفتن از شهدا سخت است و از حاج قاسم سخت‌تر، اما حقیقت این است که حاج قاسم به بچه‌ها بسیار نزدیک بود و به برکت ارتباط صمیمانه‌ای که با کودکان داشت، می‌توان شهید سلیمانی را یک سرفصل تربیتی ویژه در ادبیات کودک و نوجوان دانست.

به گفته این نویسنده کودک و نوجوان، هرگز نباید این طور باشد که شهید سلیمانی را به نسبت اقتضائات عملیاتی و حوزه فعالیت خود که مربوط به میدان جنگ و نبرد بود، محدود به دنیای بزرگ‌ترها دانست، بلکه او این قابلیت را دارد که الگوی نسل آینده باشد و نباید این مرجع فرهنگی را از کودکان دریغ کرد. وی همچنین در پاسخ به فلسفه نام‌گذاری کتاب نیز تصریح کرد که نمی‌توان شهید سلیمانی را معصوم دانست، اما خصوصیت جان‌بخشی به اشیا و دانستن زبان هر چیز به عنوان ویژگی ذاتی کودکان، در انسان‌هایی هم که ضمیر پاکی داشته باشند، تجلی پیدا می‌کند و در این کتاب، به روایت پراحساسی از فضایل شخصیتی شهید پرداخته شده است.

تلاقی تصویر لیخنده شهید سلیمانی با پیشانی‌بندهای رنگارنگ «من قاسم سلیمانی‌ام» بر پیشانی کودکان مشهدی در انتهای این مراسم، تصویر جاودانه‌ای در قاب رسانه‌ها ثبت کرد تا ثابت کند که داستان‌های پرشور از حماسه‌های شهید سلیمانی در کتاب‌های کودک و نوجوان، از قلمروی کلمات فراتر رفته‌ومی‌توان به سلیمانی‌های آینده این سرزمین امیدوار بود.

به گفته وی، این داستان، به مسیر قهرمان شدن شهید سلیمانی می‌پردازد تا حتی دختر بچه‌ها هم بدانند که لازم نیست حتماً مرد باشند و به جنگ بروند تا قهرمان شوند. در واقع، روایت تلاش شهید سلیمانی برای تسویه بدهی‌های پدرش در دوران کودکی، یکی از فرازهای زندگی مردی است که تنها در برابر بزرگ‌ترین قدرت‌های زورگوی دنیا ایستاد، اما ما یقین داشتیم که در دنیای کودکان، شاید این بخش از زندگی حاج قاسم، تأثیرگذارتر از حماسه آفرینی‌های ایشان در جبهه‌های نبرد باشد.

● همه می‌توانند «حاج قاسم» باشند

محمد خسروی راد، نویسنده کتاب «سبب آخر»، در ادامه این مراسم تأکید کرد که روایتگری به زبان ساده، کلیدی‌ترین عنصر برای یک نویسنده موفق است. به گفته وی، کتاب خوب، کتابی است که هرکس آن را مطالعه کند، احساس کند می‌تواند نویسنده باشد و بیان روان، او را به وجد بیاورد. این نویسنده حوزه کودک و نوجوان گفت: قهرمان‌پروری زمانی موفق خواهد بود که الگوی مطرح شده، تحقق‌پذیر و دست‌یافتنی باشد. کودکان ما هم باید از جنس مردم بود و هرکس می‌تواند با خودسازی، حاج قاسم آیندگان باشد. داستان «سبب آخر» هم براساس همین نظریه و از یک کارگاه نویسندگی به نام «باغچه» شکل گرفت، این طرحی بود که با خرد جمعی به آن پرداخته شده، زیرا پرداختن به زندگی قهرمانان به تنهایی بسیار سخت است و باید از زوایای گوناگون به موضوع‌هایی از این دست نگاه کرد.

به جایگاهی دست پیدا کند که مقاومت ۸۰روزه مردم «آمرلی» را که در آستانه فروپاشی قرار داشت، ختم به پیروزی و جاودانگی کند. وی بیان کرد: باور به مفهوم منجی و کسی که در آینده می‌آید تا زندگی را بهتر کند، یک سرفصل تربیتی با عنوان «آموزه نجات» است. این مبنا، همان موضوعی است که حتی مکتب فکری غرب هم نتوانسته است آن را به کلی منکر شود، بلکه در عمل، شرايطی را رقم زده که این باور با قهرمان‌سازی‌های تخیلی به انحراف کشیده شود و حالت رؤیا و توهم پیدا کند، درحالی‌که اسلام به همه یاد می‌دهد که شخصیت‌های تغییردهنده آینده می‌توانند از بین مردم باشند و چه در سایه همدلی و چه با خودسازی، شخصیت‌هایی شکل بگیرند که عامل اصلاح و سعادت باشند.

● شهید سلیمانی، اثرگذارتر از سردار سلیمانی

کلر ژوبرت، نویسنده کتاب «قهرمان، از جنس خودم» در ادامه این مراسم به بیان روایت‌های احساسی از بازخوردهای این کتاب پرداخت. وی تصریح کرد: من همیشه با این سؤال مواجه بودم که اگر شهید قهرمان است، پس چرا در عمل جان خود را از دست داده است و خدا در لحظه شهادت به او کمک نکرد. با این حال، پس از اینکه مسلمان شدم و به ایران آمدم، در شهادی دفاع مقدس، دفاع از حرم و به ویژه در جریان شهادت شهید سلیمانی پاسخ سؤال خود را دریافت کردم و به چشم دیدم که شهید سلیمانی پس از یک مسیر پرافتخار، زمانی شهید می‌شود که دیگر در اوج کمال انسانی قرار دارد و شخصیت «شهید سلیمانی» فراتر از «سردار سلیمانی» می‌تواند اثرگذار و تاریخ‌ساز باشد.

● ضرورت «الگوسازی» در ادبیات کودک پیش از آغاز رسمی مراسم رونمایی از کتاب‌های کودک با موضوع شهید سلیمانی، تصویر دختران و پسران نونهالی که قلم به دست، صف کشیده بودند تا از کلر ژوبرت، نویسنده حوزه کودک و نوجوان و میهمان ویژه این مراسم امضا بگیرند، بارزترین صحنه‌ای بود که پیش روی حاضران قرار می‌گرفت. رقیه فاضل، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه فرهنگی به عنوان نخستین سخنران این برنامه، اشاره‌ای به مفهوم قهرمان‌پروری داشت و بیان کرد: موضوعی که پیش از همه به ذهنم رسید، این بود که چه در فضای نوشتن و چه در فضای قصه‌گویی، خوب است به الگوسازی توجه شود، زیرا قهرمانان می‌توانند همان قله‌هایی باشند که دل‌ها را به سمت خود جلب می‌کنند و زمینه‌ساز تربیت باشند. وی افزود: به همین دلیل است که امروزه در هر مکتب و اندیشه‌ای، قهرمانان حرف اول را می‌زنند و در همین شرایط است که در برابر قهرمان‌سازی‌های تخیلی‌ها لیوود همچون بتمن، مرد عنکبوتی و دختر کشفدوزکی، شهید سلیمانی‌ما به عنوان یک الگوی زنده و واقعی قرار دارد که می‌تواند سرمشق انسان‌سازی باشد.

به گفته این استاد دانشگاه، مزیت بزرگ شخصیت‌هایی مثل شهید سلیمانی می‌تواند این باشد که در دسترس هستند. فاضل تأکید کرد که قهرمانان غیر واقعی، کودکان را سرخورده می‌کنند، زیرا هرچه باشد، هیچ دختر بچه‌ای نمی‌تواند در آینده، دختر کشفدوزکی باشد یا هیچ پسر بچه‌ای نمی‌تواند در بزرگ‌سالی به مرد عنکبوتی تبدیل شود، اما هرکس می‌تواند در آینده در سایه پابندیی به اخلاق و با ایمان به خدا،

خوانشی از رمان کوتاه «پیرزن جوانی که خواهر من بود» تازه‌ترین اثر صمد طاهری

آخرش تنهایی

طعنه به آن‌ها «مهندس» و «ملکه» می‌گوید، درس‌خوان هستند.

در مدرسه هم معلم، آقای رحمانی، به بهانه انجام ندادن تکالیف جلوی همه دانش‌آموزان درازش می‌کند و بسیار «روشمند» فلکش می‌کند و آن قدر شیلنگ توپُر کف‌پاهایش می‌کوبد که از هوش پرود. البته به همین هم رضایت نمی‌دهد؛ پیش از تنبیه فیزیکی با صبوری فراوان او را خوار و خفیف می‌کند. اگر دو نفر باشند روش تنبیه متفاوت است: «گاهی که دو نفری با هم نوشته بودیم، آقای رحمانی روش دیگری رو می‌گرفت. دو نفرمان را می‌آورد پای تخته، می‌گفت روبه‌روی هم بایستید. بعد شروع به شمارش می‌کرد. یک می‌گفت، من یک سیلی جانانه می‌خواباندم زیر گوش حامدی. می‌گفت دو، حامدی سیلی جانانه‌ای می‌خواباند زیر گوش من...» [کلاس غرق شور و نشاط می‌شد. آقای رحمانی هم لیخن‌د از لیش نمی‌افتاد. «تا وقتی آن دو طفل به گریه نیفتند شمارش تمام نمی‌شود. وقتی هم که پرویز به اصرار و خواهش صدیقه، «پیرزن جوانی که خواهرش» است، تکالیفش را انجام می‌دهد، رحمانی و تمام کلاس دماغ می‌شوند، چون بساط تفریح و «کیف» برچیده شده است. پرویز به مرور ملقب می‌شود به «آویزون». روند تحقیر او هیچ وقت قطع نمی‌شود، آن قدر که به «وروره جادو» بی‌که وقت خواب به سراغش می‌آید می‌گوید: «وروره، دلم می‌خواد تو همه چی موفق بشم. بعد همه اونایی رو که دستم می‌اندازن یکی یکی

پسرکی تحقیر شده ● پرویز پسرکی است زوری سلطه و تحقیر شده، در خانه از پدر تو سری می‌خورد، چون بچه کوچک‌خانه‌است و درس‌هایش هم تعریفی ندارد و خواهر و برادر بزرگ‌ترش که پرویز با

حیوانات در دیگر داستان‌های صمد طاهری هم حضوری پررنگ دارند. در داستان‌های او معمولاً شخصیت‌ها با حیوانات رابطه‌ای دوستانه و گاه بسیار نزدیک دارند. در داستان «خروس» در مجموعه داستان تحسین شده «زخم شیر»، جدی‌ترین انیس و مونس و رفیق عمو ابراهیم اول اسبی است و بعد خروسی، و در داستان «در دام‌مانده مرغی» یک بلبل مونس بلیقس است. گویا صمد طاهری رابطه انسان با حیوانات را که موجوداتی بی‌گناه هستند، ملاک و معیار می‌داند برای سنجش و محک زدن عیار انسانیت. در هر داستانی که حیوانات حضور دارد و موجود انسانی با او برخورد قهرآمیز یا خشونت‌باری دارد، آن آدم به میزان آن رفتارش سقوط کرده است. به عنوان نمونه در داستان «شکار شبانه» در مجموعه داستانی با همین عنوان، مردی زبان اسبی‌رامی‌برد و در پایان می‌فهمیم او شرارت‌هایی در وجودش دارد که حتی فرزندش هم با او هم دل‌نیست و پشش می‌زند و زیر سؤالش می‌برد. در این اثر برای سگ حس ششمی فرض گرفته می‌کند، باز به این فکر می‌کند که چه کسی می‌تواند جایگزین او شود که وقتی سرما خوردد برایش «چهار تخمه و ریشه پُر سیواشان دم کند.»